

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل  
۲۳ اکتوبر ۲۰۲۱

## انتقام دولت پاکستان از "درانی ها" "غریب را نه بزن، نه بکش، ناتش را از دستش بگیر"

(۱)



جمعه - ۳۰ میزان ۱۴۰۰ کابل: موضوع یادداشت امروز را به برخورد های دوگانه اخیر دولت پاکستان نسبت به افغانستان تحت حاکمیت "نظام ملا سالار" اختصاص می دهیم. برخورد دوگانه ای که از یک جانب با بستن مرزهایش، هزاران تن میوه تازه افغانستان را فاسد و در نتیجه باغداران کشور را به نابودی می کشاند و از جانب دیگر "شاه محمود قریشی" وزیر خارجه آن کشور، حاتم بخشی نموده اعلام می دارد که به ارزش ۵ میلیارد کددار به دولت افغانستان کمک خواهد نمود.

۱- برخورد دوگانه کنونی پاکستان که در فرهنگ ما با ضرب المثل "دریک دست شمشیر در دست دیگر قرآن" خلاصه شده است، تا جایی که از مطالعات تاریخی بر می آید سیاستی بوده که در طول تاریخ افراد، اقشار، طبقات، حاکمیت ها و دولتهای زورمند و حيله گر، که چشم شان به مال و جایداد رقباى شان بوده ، علیه آنها اعمال نموده است. این سیاست که در برخی از کشورها به مانند افغانستان به مثابه یک سنت بین نمایندگان طبقات حاکم و مزدوران استعمار جایگاه یافته است، استفاده همزمان از دو رقیب جهت پیشبرد اهداف نیروی غالب می باشد.

یکی از اساسی ترین خطوط این سیاست آن است که دو نوکر و یا دو جاسوس را در رقابت با یک دیگر قرار داده، بقای آنها را به خدمات بیشتر شان به اشغالگران و دشمنان میهن و مردم و ایسته می سازند. یعنی به دو طرف می فهمانند اگر

هریک از آنها خواسته باشد، قدرت بیشتر و سرمایه و جایداد بیشتر داشته باشد، می باید گوی رقابت خدمت به بادر را از طرف مقابل برباید.

۲- این که در قرن ۱۹ انگلیسها چگونه با استفاده از همین تکتیک، هم "شاه شجاع" را در خدمت داشتند و هم "امیر دوست محمد خان" و یا بعدها رقبای دیگر را می گذاریم به جایش، می آنیم در ربع چهارم قرن بیست و استفاده ابزاری که روسها از ایجاد رقابت بین "تره کی"، "امین"، "ببرک" و سرانجام "نجیب" و از آن هم می گذریم، بیشتر تعمیم این سیاست را در همان بازه زمانی در پاکستان می بینیم:

وقتی به تقسیمات احزاب پاکستان نشین نظر می اندازیم، می بینیم که آنها نخست مجموع مقاومت ضد روسی شکل گرفته در داخل افغانستان را می کوشند، تا بعد از تحریف هویت آن در دوقالب "حزب اسلامی" و "جمعیت اسلامی" در وجود "گلبدین" و "ربانی" سازماندهی نمایند، هنوز حنای جدائی این دو رنگ نگرفته بود که با آمدن ملاها و ایجاد "حرکت انقلاب اسلامی" و منشعب ساختن آن، دو نهاد دیگر زیر رهبری ملاها "مولوی محمدی" و "مولوی خالص" را نیز خلق نمود، همچنین با پیدا شدن هوداران سلطنت ملیس به "اسلام معتدل"، می بینیم "جبهه نجات" و "محاذ ملی" را از آستین جادوئی اش بیرون کشید.

در تمام این اشکال وقتی دقت می گردد، دیده می شود که دولت پاکستان جهت حفظ سیطره و کنترل کامل خودش نه تنها روند ها را در مقابل یگ دیگر قرار می دهد، بلکه در داخل یک روند نیز انشعاب را باعث شده، از آن طریق تمام آنها را به چاکری بیشتر می کشاند. مثلاً وقتی صحبت از اسلام معتدل به میان می آید، چهره های "مجددی، گیلانی، مولوی نبی" و تعداد دیگر خود را متبارز می سازند، به همین سان زمانی که صحبت از اسلام رادیکال باشد چهره های "گلبدین، ربانی، سیاف، مولوی خالص" و بقیه عرض اندام می نماید. اما وقتی قرار باشد تجرید ها پائینتر بیابند، دیده می شود که هم به اصلاح معتدل ها و هم رادیکال ها در درون خود روند، شدید ترین رقابت ها را داشته، هریک حاضر بوده تا جهت خوشنودی زعمای پاکستان و جلب حمایت آن کشور، مادرو و پدرش را فدای قدم آنها نمایند تا چه رسد به مردم افغانستان و یا سرنوشت کشور افغانستان.

۳- سیاستی را که امروز دولت پاکستان بین نوکران جدیدش یعنی نظام ملاسالار رویدست گرفته، دقیقاً ادامه همان سیاست جهت تأمین منافع خودشان می باشد. دولت پاکستان بسیار آگاهانه بعد از نخستین اعمال قدرت در تشکیل کابینه نظام ملاسالار، وقتی با منع صدور چوب رو به رو شد به نمایندگی از مافیای چوب در پاکستان، چون آن تصمیم را بیشتر برخاسته از مواضع تقریباً رقابت جویانه "درانی" ها می دانستند، در فصل حاصلات و زمانی که باغداران آن را زمان "روزی رسانی" خود می دانند، امر به انسداد مرز های سپین بولدک و چمن داد.

صدور چنین فرمانی هرچند ظاهراً باغداران ولایات قندهار، زابل، هلمند و تمام حوزه آبی ارغنداب را به نابودی سوق می دهد، مگر در بطن خود حمله ایست بر "درانی" های متشکل در "نظام ملاسار" تا آنها را در مناسبات داخلی از یک جانب در تقابل با باغداران و دهقانان قوم خودشان قرار دهند و از طرف دیگر تابع "غلجائی ها" به نمایندگی از آنها باند "حقانی" نماید و در مناسبات خارجی اطاعت بی چون و چرای شان را از مقامات ملکی، استخباراتی و نظامی پاکستان اعلام بدارند.

ادامه دارد

**مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع ها مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**